



به نام خدا

گزارش از تحولات حوزه رفاه و تأمین اجتماع در آفریقا، اروپا و آسیا  
باتمركزبر

---

# انتخابات اسپانیا: بازگشت به سیاست اجتماعی

---

تحليل رخدادهای

April 2019



موسسه عالی پژوهش‌های جهانی



افکارسنجی و نظرسنجی



## گزارش تحلیلی شماره (۹)

گزارشی از تحولات حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در آفریقا، اروپا و آسیا

با تمرکز بر

انتخابات اسپانیا: بازگشت به سیاست اجتماعی

تحلیل رخدادهای April 2019

تالیف و ترجمه: سینا چگینی    ناظر علمی و ویراستار: گروه افکارسنجی و نظرسنجی

تاریخ انتشار گزارش: ۹۸/۱۰/۴

## فهرست

### ۴ برخی از مهمترین رخدادهای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در آوریل ۲۰۱۹

- الف. تاکید اتحادیه بین المللی تامین اجتماعی (ISSA): بیمه درماني، حقی برای همه کارگران ۴
- ب.: افزایش مستمری‌های کارگران در استونی ۵
- ت. گزارش سازمان ملل: عدم کفایت خدمات تامین اجتماعی برای سالمندان در هند ۶
- ث. قطع یارانه سوخت در مصر همزمان با تکمیل اجرای برنامه صندوق بین‌المللی پول (IMF). ۹
- ج. افزایش مستمری کارگران در آلمان ۱۱

### ۱۲ پرونده ویژه: انتخابات اسپانیا: بازگشت به سیاست اجتماعی

- بستر اقتصاد و سیاست اسپانیا: تداوم ریاضت ۱۳
- بحران بودجه: دعوت به انتخابات سراسری ۱۴
- سیاست پیروز انتخابات: احیای عدالت اجتماعی ۱۵
- سیاست راه سوم ۱۸
- پودموس ۱۹
- نتیجه‌گیری: ائتلاف پیشرو ۲۱

### ۲۲ ضمیمه یک: پارادوکس بدهی

- بن‌بست ریاضت ۲۴
- راه دیگر ۲۵

## مهمترین رویدادهای تأمین اجتماعی و رفاه و سیاستگذاری در آوریل ۲۰۱۹

تاکید اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی (ISSA) : بیمه درمانی، حقی برای  
همه کارگران

به بهانه روز جهانی بهداشت در هفتم آوریل، اتحادیه بین المللی تأمین  
اجتماعی (ISSA) نقش نهادهای تأمین اجتماعی را در پیشبرد یک هدف مشخص  
جهانی یعنی «سلامت برای همگان» برجسته و تأثیرگذار دانست.



بنا به گزارش این نهاد، جامعه تأمین اجتماعی در سطح جهانی از طریق  
متخصصان و کارشناسان خود و نیز اعضای اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی،  
می توانند سلامت، بهداشت و نظام های مراقبت بلندمدت را برای کارگران و  
بیمه شدگان افزایش دهند. این اتحادیه تأکید کرد که پوشش سلامت فراگیر  
و حمایت اجتماعی، ستون های نابودی فقر و نابرابری است؛

اهدافی که با ابعاد برنامه توسعه پایدار و اهداف آن می توان بدان دست یافت  
و از این طریق، می توان خلاء موجود در اهداف ده گانه اصلی تأمین اجتماعی  
را در بخش سلامت رفع کرد.

رویکردهای خلاقانه و اقدامات مثبت در پاسخ به مشکلات بخش سلامت،  
عناصر مهم و تمام و کمال اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی و کار اصلی اعضای  
این نهاد است.

مارسلو ایبرامیا کائانو، ریاست جدید اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی در این  
خصوص گفت: «ما اعتلا و پیشرفت در تأمین اجتماعی برای تأمین پوشش  
خدمات سلامت برای همگان را پیگیری می کنیم»<sup>۱</sup>.

اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی به تازگی به انجام برنامه «مشارکت جهانی

---

1- [https://www.issa.int/en\\_GB/-/issa-promoting-world-health-day](https://www.issa.int/en_GB/-/issa-promoting-world-health-day)

در حمایت اجتماعی فراگیر» تا سال ۲۰۳۰ متعهد شده است. این نهاد از طریق کمیسیون فنی بیمه بیماری و مراقبت پزشکی، گزارشی را درباره مراقبت سالمندی در محل و به شکل بلندمدت در گردهمایی کمیسیون‌های فنی که در ۲۶ و ۲۷ ژوئیه در شهر ژنو سوئیس برگزار می‌شود، منتشر خواهد کرد. این گزارش همچنین به طور تفصیلی در گردهمایی جهانی تامین اجتماعی که در روزهای ۱۴ تا ۱۸ اکتبر سال ۲۰۱۹ در بروکسل برگزار خواهد شد، همراه با بخش جدید مربوط به سلامت در کتاب «راهنمای اتحادیه بین‌المللی تامین اجتماعی در خصوص ارتباطات و فناوری اطلاعات» منتشر خواهد شد. این گزارش‌ها می‌تواند به کشورهای مختلف جهان در حوزه تامین اجتماعی کمک کند تا بتوانند خدمات بهداشت و سلامت خود را برای کارگران مطابق با معیارهای جهانی در این حوزه ارائه دهند.

### افزایش مستمری‌های کارگران در استونی

کمیته تخصصی بیمه‌های اجتماعی استونی در ماه آوریل سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفت که حقوق و مزایای بیش از ۳۵۰ هزار نفر کارگر را در این کشور به نحو محسوسی افزایش دهد. با انجام ارزیابی و شاخص‌گذاری مجدد، میزان مستمری‌های کارگران استونی دوباره بیش از هشت درصد افزایش یافت. این افزایش نه تنها مربوط به مستمری سالمندان و بازنشستگان است بلکه کارگران فاقد توانایی کار یا از کارافتاده را نیز در برمی‌گیرد. حقوق و مزایای بازماندگان نیز طبق این تصمیم افزایش یافت.

خانم مرله سومیل - لانما<sup>۱</sup>، مشاور کمیته بیمه اجتماعی در این کشور در این خصوص می‌گوید: «مستمری‌های افراد بر اساس سوابق کارشان محاسبه می‌شود و افزایش‌ها پس از ارزیابی دوباره بسیار زیاد خواهد بود.»

او اضافه کرد که رشد مستمری‌ها برپایه انواع خدمات مستمری خواهد بود. برای مثال میانگین مستمری کارگری که ۴۴ سال سابقه در خدمات مستمری دارد، از ۴۴۶ یورو به بیش از ۴۸۳ یورو افزایش خواهد یافت.

ارزش شاخص‌های مستمری در استونی، حدود ۸۰ درصد بر پایه میزان

1- Merle Sumil-Laanemaa

مالیات اجتماعی در سال گذشته است و ۲۰ درصد مابقی آن براساس تغییرات شاخص قیمت برای مصرف کننده است. امسال ارزش این شاخص، حدود دو یورو افزایش یافت. با ارزیابی دوباره میزان مستمری‌ها، مقدار کل مستمری پایه بیش از ۱۹۱ یورو است و ارزش خدمات جانبی مستمری‌ها در حدود یکسال حدود هفت یورو است.<sup>۱</sup> ارزش میزان مستمری عمومی و ملی نیز از حدود ۱۸۹ یورو به بیش از ۲۰۵ یورو افزایش یافته است.

این ملاک‌ها و شاخص‌های ارزیابی مجدد از ابتدای آوریل ۲۰۱۹ مورد استفاده قرار گرفته است. رشد میزان مستمری کارگران با استفاده از شاخص‌های جدید توسط کمیته بیمه‌های اجتماعی محاسبه خواهد شد. به طور کلی در این صندوق میزان مستمری‌های کارگران براساس میزان دریافتی آنها و تطبیق آن با نیازهای کارگران و نیز سوابق شغلی آنها صورت می‌گیرد تا بتواند از نیروهای کار این جامعه در ادوار مختلف زندگی و در برابر حوادث، حفاظت و حمایت کند.

## گزارش سازمان ملل: عدم کفایت خدمات تامین اجتماعی برای سالمندان در هند

نتایج یک مطالعه که توسط مرکز تحقیقات و مشاوره سالمندی سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> انجام شده است، نشان می‌دهد که افراد وابسته به تامین اجتماعی در کشور هند، در خصوص حمایت مالی و اجتماعی خویش دچار نگرانی هستند.



طبق این مطالعه حدود ۵۲ درصد از پاسخگویان از جامعه نمونه ده هزار نفری مورد بررسی، گفته‌اند که از منزلت و وضعیت عمومی طرح‌های تامین اجتماعی برای سالمندان در این کشور رضایت ندارند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد یک چهارم پاسخگویان یعنی حدود ۲۷ درصد به فرزندان و خویشاوندان نزدیک خود برای تامین مالی زندگی محتاج هستند، در حالی که

1- <https://news.err.ee/925827/pensions-of-350-000-in-estonia-increase-8-4-on-monday>

2- Agewell Research and Advocacy Centre for the United Nations

### حدود ۱۶ درصد از پاسخگویان به دیگران وابسته هستند.

طبق این گزارش، بیش از ۵۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که تمهیدات مناسبی برای حمایت و تامین مالی افراد سالمند در این کشور وجود ندارد.



در قسمت نتایج، این مطالعه به ما می گوید که: «در حالی که بیش از ۵۸ درصد از پاسخگویان با این موضوع که طرح‌های مستمری سالمندی به خوبی در هند کار می‌کند، مخالفند، حدود ۳۷ درصد از پاسخگویان می‌گویند که به عقیده آنها طرح‌های مزایای از کارافتادگی، مشخصاً برای سالمندان در هند رضایت‌بخش نیست. حدود ۶۱ درصد از پاسخگویان نیز می‌گویند که آنها از طرح‌های تامین و حمایت مالی برای سالمندان در هند راضی نیستند.»

تامین اجتماعی و تامین مالی با یکدیگر پیوند متقابل دارند. تامین اجتماعی سالمندان یک مقوله خانوادگی محسوب می‌شود چراکه بیشتر افراد در دوران سالمندی با فرزندان خود زندگی می‌کنند. با افزایش سریع جمعیت سالمندان در هند و تغییر سناریوهای اجتماعی و اقتصادی، نگرانی‌ها در خصوص سالمندان و وضعیت معیشت و زندگی آنها به موضوع اصلی طرح‌های تامین اجتماعی در هند بدل شده است.

برنامه‌های تامین اجتماعی در هند به طور کلی اقدامات و ابتکاراتی را برای سالمندان از قبیل مستمری بازنشستگی، مستمری خانوار، مستمری بیوه‌گی، مستمری سالمندی، بیمه خدمات بهداشتی و درمانی یا بیمه سلامت، مزایای خدمات پزشکی، مزایای از کارافتادگی و پاداش‌ها را تحت پوشش می‌دهد. این مطالعه نشان می‌دهد که ۷۷ درصد از مردان سالمند و ۵۰ درصد از زنان سالمند از خدمات مختلف به شکل تامین اجتماعی بهره می‌برند. با این حال ۵۳ درصد از پاسخگویان سالمند این موضوع را که از مزایای طرح‌های تامین اجتماعی بهره می‌برند، سخت و دشوار می‌دانند و حدود ۷۹ درصد از آنها معتقدند این طرح‌ها برای برطرف کردن نیازهای آنان کافی نیستند. اکثر سالمندان بی‌سواد هستند و به طور جزئی یا کلی برای نیازهای اقتصادی خود به دیگران وابسته هستند و این موضع نیز روی بهره‌مندی از مزایای تامین اجتماعی اثر منفی می‌گذارد.



هیمنشو راث<sup>۱</sup> پایه‌گذار موسسه «بنیاد سالمندی» می‌گوید: «سیاست‌های دولتی و هنجارهای اجتماعی ما، هم‌تراز با تامین اجتماعی در دوره سالمندی نیست. شرایط طرح‌های تامین اجتماعی بسیار نگران‌کننده است. دولت باید روی طرح‌های تامین اجتماعی تمرکز کند و نیازهای متغیر جمعیت فزاینده افراد سالمند را مدنظر قرار دهد. مشاهده شده است که به رغم وجود چندین طرح تامین اجتماعی و سقف‌های حمایت اجتماعی در سطوح مختلف، بیشتر سالمندان به ویژه سالمندان بالای ۸۰ سال به دلیل موانع بسیار از قبیل فقدان تسهیلات حمل و نقل، نداشتن افراد مراقب یا همراه و نیز عدم آگاهی نسبت به طرح‌های موجود برای رفاه افراد سالمند، به حد کافی قادر به بهره‌مندی از این مزایا نیستند.»<sup>۲</sup>

بر اساس یافته‌ها و مشاهدات این مطالعه، بنیاد سالمندی توصیه کرده است که دولت پوشش حداکثری را برای طرح‌های موجود تامین اجتماعی و نیز طرح‌های جدید در آینده در نظر بگیرد. این موسسه همچنین توصیه می‌کند که باید تسهیلات و امکانات مراقبت سلامت نیز به خصوص در نواحی روستایی و نیمه‌شهری برای سالمندان تامین شود. مستمری سالمندان باید به شکل مقایسه‌ای و به روز، هزینه‌های فزاینده زندگی را پوشش دهد و تمهیداتی برای افزایش دریافت مالیات از ثروتمندان در نظر گرفته شود. همچنین باید مشوق‌های مالیاتی برای افراد جوان‌تر در نظر گرفته شود تا آنها را تشویق به مراقبت از افراد وابسته و سالمند کند.

این بنیاد همچنین توصیه می‌کند که باید تسهیلات و تمهیداتی برای کمک‌های مالی برای افرادی که دارای والدین وابسته به آنها هستند، در جهت استخدام در بخش دولتی به کار گرفته شود. در نهایت باید نوعی از مشوق مالی برای ایجاد شبکه از مراقبان و افراد نگه‌دارنده برای سالمندان شکل گیرد تا به افراد سالمندان در تنهایی زندگی کمک کنند.

---

1- Himanshu Rath

2- <https://socialprotection.org/discover/news/social-security-elderly-inadequate-india-un-report>



## مصر: قطع یارانه سوخت درهمزمان با تکمیل اجرای برنامه صندوق بین‌المللی پول (IMF)

دولت راست‌گرا و نظامی مصر اعلام کرد که یارانه اکثر تولیدات مرتبط با انرژی را قطع کرده است. این موضوع در ابتدای ماه آوریل توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) اعلام شد و طبق آن، دولت مصر در نامه‌ای این اقدام را در جهت هماهنگی با برنامه سه ساله صندوق بین‌المللی پول صورت داده است تا در ازای آن مبلغ ۱۲ میلیارد دلار از این صندوق وام بگیرد.

این قطع و کاهش یارانه به معنی افزایش قیمت سوخت برای مصرف‌کنندگان گازوئیل، دیزل، نفت سفید، نفت سیاه و سایر سوخت‌ها خواهد بود و فشار اصلی آن روی زندگی مردم عادی و کارگران مصر خواهد افتاد.

نامه وزیر اقتصاد مصر و رئیس بانک مرکزی این کشور مشتمل بر اجرای برنامه صندوق بین‌المللی پول است و پس از پرداخت پنجمین قسمت از شش قسمت وام منتشر شده است!



این برنامه جدید دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۶ شروع شد و طبق آن صندوق بین‌المللی پول پرداخت وام به کشور مصر را مشروط و مقید به انجام مجموعه‌ای از برنامه‌های اقتصادی ریاضتی در این کشور کرده است که به شدت مورد اعتراض مردم و کارگران است؛ برنامه‌هایی که شامل کاهش شدید ارزش پول مصر (پوند مصر) است و همچنین مالیات بر ارزش افزوده را برای مصرف‌کنندگان و مردم عادی افزایش خواهد داد. استدلال طرفداران این برنامه نتولیبرالی بر این است که اجرای این سیاست‌های مورد توصیه صندوق بین‌المللی پول، موجب ثبات و رشد اقتصاد مصر خواهد شد اما اجرای این برنامه تحمیلی در عمل، موجب سقوط میلیون‌ها نفر از مردم مصر به فقر و فلاکت، گسترش نابرابری و تحمیل محدودیت‌های شدید بر زندگی و معاش مردم عادی شده است.

---

1- <https://www.reuters.com/article/us-egypt-economy-imf/egypt-to-slash-fuel-subsidies-as-it-nears-end-of-imf-program-idUSKCN1R1032>

قیمت سوخت در مصر طی سه سال گذشته به شکل مرتب و صعودی افزایش یافته است. فرآورده‌های سوختی بیشتر برای تولید برق و نانوبی‌ها در مصر مورد استفاده قرار می‌گیرد که مورد نیاز مردم عادی است. نکته جالب توجه آن است که این برنامه تحمیلی از سوی صندوق بین‌المللی پول، تنها شامل قطع یارانه این بخش‌ها نیست و حوزه‌های دیگر زندگی مردم را نیز تحت فشار قرار خواهد داد.

دولت در نامه‌اش به صندوق بین‌المللی پول گفته است که پس از نزدیک کردن قیمت سوخت به قیمت بین‌المللی که مشخص نیست مرز آن تا کجاست، سازوکارهایی مشابه را برای قیمت سایر کالاهای تولیدی به کار خواهد بست.

دولت متذکر شده است که برنامه‌هایی برای محافظت در برابر این شوک‌های قیمت سوخت دارد اما هیچ جزئیاتی از این برنامه‌ها اعلام نشده است و تا کنون نیز دولت مصر از اجرای هرگونه برنامه حمایتی از مردم و کارگران در برابر این شوک‌ها سرباز زده است. در کنار این موضوع، صندوق بین‌المللی پول نیز به دولت مصر توصیه کرده است نسبت به استفاده از ابزارهای مالی توام با هزینه‌های بعدی مراقب باشد و جانب احتیاط را در پیش بگیرد؛ به عبارت دیگر این صندوق از دولت مصر خواسته است هیچ حمایتی از مردم در مقابل این شوک‌ها انجام ندهد.

از زمان دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول، دولت مصر به شدت زیر فشار بدهی خارجی قرار گرفته است. در نامه جدید ارسالی، دولت مصر مدعی شده است که می‌خواهد کل بدهی خود را از ۸۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) در حال حاضر به ۷۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۳ کاهش دهد. میزان بدهی دولت مصر در سال ۲۰۱۸ حدود ۹۳ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بود.

همچنین دولت مصر متعهد شده است که کلیه بدهی‌های معوقه شرکت عمومی نفت مصر (EGPC) را که مالکیت دولتی دارد، بپردازد. این بدهی‌ها تا ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ بالغ بر یک میلیارد دلار بوده است.

صندوق بین‌المللی پول و دولت نظامی عبدالفتاح السیسی، دیکتاتور مصر در این سال‌ها همکاری تنگاتنگ و صمیمانه‌ای با یکدیگر در اجرای برنامه موسوم به «اصلاحات اقتصادی» داشته‌اند. با این حال این برنامه‌ها فشار روزافزونی را بر مردم مصر وارد کرده است و وضعیت رفاهی مردم در این کشور نه تنها بهبود نیافته بلکه عملاً بر میزان فقر و نابرابری در این کشور افزوده شده است.

## افزایش مستمری کارگران در آلمان

کابینه دولت فدرال آلمان، دستور وزارت کار و امور اجتماعی این کشور برای افزایش قابل توجه مستمری کارگران و نیروهای کار به شکل سالیانه تایید و ابلاغ کرد.



این کابینه تایید کرد که میزان مستمری‌های کارگران و نیروهای کار به شکل سالیانه باید افزایش یابد و افزایش آن، بر اساس تغییر و تحولات دستمزدی صورت گیرد. این افزایش مستمری منطقه به منطقه متفاوت خواهد بود و براساس نیازهای اولیه کارگران و خانواده‌های آنها به معاش، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و مسکن است.

هوبرت هیل، وزیر کار و امور اجتماعی آلمان اعلام کرد که این افزایش در میزان مستمری‌های کارگران، «یک تحول مثبت و فوق العاده» است.

بازنشستگان و مستمری بگیران حدود ۵۰ درصد از مردم آلمان را در بر می‌گیرند. در آلمان افزایش مستمری‌ها معمولاً یک فرآیند خودکار است که اساساً از خلال میزان هزینه‌های سلامت و افزایش هزینه‌های زندگی و تحولات دستمزدی تعیین می‌شود.<sup>۱</sup>

رسانه‌های محلی آلمان گزارش داده اند که این افزایش سالیانه مستمری‌ها چیزی معادل ۱۱ میلیارد یورو هزینه در بر خواهد داشت یعنی معادل بیش از ۱۲ میلیارد دلار.

از زمان اتحاد دو آلمان شرقی و غربی در سال ۱۹۹۰، میزان مستمری‌ها و مزایای آن در آلمان شرقی به بخش غربی بسیار نزدیک شده است و دولت سعی دارد همواره برابری را بین این دو برقرار کند. طبق برآوردها میزان مستمری‌ها در سال ۲۰۲۴ در آلمان به تدریج به یک سطح همسان در دو بخش غربی و شرقی خواهد رسید.

---

1- [http://www.xinhuanet.com/english/2019-04/30/c\\_138025502.htm](http://www.xinhuanet.com/english/2019-04/30/c_138025502.htm)



## انتخابات اسپانیا: بازگشت به سیاست اجتماعی

انتخابات سراسری اسپانیا در روز ۲۸ آوریل برگزار شد و با پیروزی نسبی حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا (PSOE) به پایان رسید؛ هر چند این حزب بدون ائتلاف با احزاب کوچک و به تنهایی نمی‌تواند دولت و کابینه را تشکیل دهد. انتخابات ماه آوریل اسپانیا در شرایطی برگزار شد که در چندسال اخیر، اکثر کشورهای قاره اروپا و حوزه یورو به سمت و سوی سیاست‌های دست راستی و تسلط احزاب راست‌گرای افراطی تمایل پیدا کرده‌اند. برخلاف این روند عمومی و غالب، به نظر می‌رسد در انتخابات سراسری اسپانیا، احزاب متمایل به اجرای سیاست‌های اجتماعی توانستند پیروز شوند.



با این وصف، پرسش اصلی آن است که چرا این کشور در انتخابات اخیر خود توانست مسیر نسبتاً متفاوتی را در قیاس با بیشتر کشورهای اروپایی برود؟ آیا این شکل از بازگشت به سیاست‌های اجتماعی، در جغرافیای سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپایی و سیاست‌های داخلی مسلط در این کشور قادر به گشودن مسیری تازه است یا نه؟

در پاسخ به این سوالات اساسی و نیز به دلیل وجوه منحصر به فرد انتخابات اخیر که در زمینه سیاست‌های حوزه رفاه و تامین اجتماعی نیز موثر است، ما مهمترین اتفاق ماه آوریل را انتخابات اسپانیا و نتایج آن ارزیابی کرده‌ایم. در تحلیل این واقعه و پیروزی حزب سوسیالیست کارگران در انتخابات، در ابتدا سعی خواهیم کرد تحلیلی از پیش‌زمینه اقتصادی، سیاسی و نیز روندهای حاکم بر سیاست‌های اجتماعی و رفاهی اسپانیا در دو دهه اخیر ارائه دهیم. سپس مقاله «پارادوکس بدهی یا چگونه از ریاضت دوباره جلوگیری کنیم؟» که به طور مشترک توسط خورخه اوکسو (استاد دانشگاه کاستیامانکای اسپانیا) و ناچو آلوارز (استاد دانشگاه

اتونوموس مادرید) نوشته شده، به طور کامل ترجمه و ضمیمه شده است تا تحلیل عمیق تری از وضعیت اسپانیا در چندسال اخیر منتهی به انتخابات برای ما ارائه دهد. این مقاله نشان می‌دهد چگونه سیاست‌های رفاهی و حمایتی تحت عنوان مخارج عمومی، در برنامه‌های دولت‌های قبلی اسپانیا کاهش یافته است و این کاهش مخارج اجتماعی چه تأثیرات سوئی بر اقتصاد و جامعه اسپانیا گذاشته است و در نهایت، چه بدیلی به لحاظ سیاست اجتماعی برای حل این مشکلات وجود دارد؟

### بستر اقتصاد و سیاست اسپانیا: تداوم ریاضت

اقتصاد اسپانیا در حال حاضر سی‌امین اقتصاد بزرگ دنیا به لحاظ تولید ناخالص داخلی (GDP) و نیز برابری قدرت خرید است. همچنین این کشور در بین پنج قدرت اقتصادی نخست حوزه یورو قرار دارد. این کشور به لحاظ شاخص صادرات نیز در رتبه دوازدهم جهانی قرار دارد و طبق معیارهای مسلط یکی از کشورهای خوب به لحاظ شاخص توسعه انسانی است.

اما اقتصاد این کشور پس از بحران اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به رکودی عمیق دچار شد و شاخص‌های کلان اقتصاد این کشور همگی دچار سقوط شد. چند سال بعد یعنی در سال ۲۰۱۲ بیش از یک چهارم نیروی کار اسپانیا دچار بیکاری شدند.<sup>۱</sup> همچنین میزان تولید ناخالص داخلی این کشور در حد فاصل سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ حدود ۹ درصد کاهش یافت. در این حین، بحران بیکاری جوانان، بحران بدهی این کشور به حوزه یورو و کسری بودجه نیز موجب شد سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی این کشور در سال ۲۰۱۰ و تحت حاکمیت دولت حوزه لوییز زاپاترو به سوی سیاست‌های ریاضتی متمایل شود. این سیاست‌های ریاضتی شامل کاهش مخارج اجتماعی از جمله طرح‌های حمایت اجتماعی از کارگران و مردم عادی و نیز افزایش مالیات بر حقوق کارگران و کارمندان بود. اجرای همین سیاست‌های ریاضتی مورد حمایت و تحمیل از سوی اتحادیه اروپا، موجب شد قدرت از دست حزب سوسیالیست خارج و تا سال ۲۰۱۸ به دست حزب دست راستی و محافظه‌کار

1- <https://www.theguardian.com/world/2013/jan/24/quarter-spanish-work-force-jobless>

مردم با رهبری ماریانو راخوی<sup>۱</sup> بیفتد.

در چنین پیش‌زمینه‌ای از سیاست‌های ریاضتی و کاهش مخارج اجتماعی عمومی، پس از ناکامی دولت ماریانو راخوی در اداره وضعیت اقتصادی اسپانیا، نارضایتی مردم و کارگران از تداوم برنامه‌های ریاضتی و در نهایت رای عدم اعتماد پارلمان به او، از حدود کمتر از یکسال پیش دولت پدرو سانچز که رهبر حزب سوسیالیست اسپانیا نیز هست، در اسپانیا بر سر کار آمد.

### بحران بودجه: دعوت به انتخابات سراسری

به گواه تاریخ یکصد سال اخیر اسپانیا می‌توان گفت تاریخ این کشور پیوسته صحنه منازعه بین حدود نهایی راست و چپ اقتصادی و سیاسی در این کشور بوده است. پس از حکومت فاشیست و فالانژ در سال‌های منتهی به جنگ جهانی دوم، دوره جنگ داخلی طولانی و نیز تداوم حکومت ژنرال فرانکو تا دهه ۸۰ میلادی، مهار سیاست این کشور از میانه دهه هشتاد به دست احزاب سوسیالیستی افتاد. با این حال جناح فالانژ و وابسته به ژنرال فرانکو در قالب حزب محافظه‌کار «مردم» در دموکراسی نوپای اسپانیای نیز پوست اندازی مجدد کرد. بدین ترتیب در دهه‌های گذشته نزاع اصلی در سیاست بین دو حزب عمده سوسیالیست کارگران و حزب مردم صورت گرفته است.

اما با نگاهی به فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی می‌توان دریافت که اسپانیای دو دهه اخیر وضعیت سیاسی و اجتماعی ملت‌هایی را پشت سر گذاشته است. به طور مثال طی دهه اخیر بارها انتخابات پیش از موعد در این کشور برقرار شده است و دولت‌ها نتوانسته‌اند تا انتهای زمان مورد نظر قانونی در قدرت بمانند. در این میان احزاب دوگانه اصلی نیز در کنار خود، احزاب نوظهور و کوچک رادیکال‌تری از چپ تا راست می‌بینند. از حزب نوظهور چپ‌گرای پودموس به رهبری پابلو ایگلاسیاس گرفته تا حزب راست افراطی و نفوفاشیستی وکس (VOX) که از قضا در انتخابات اخیر توانست به پارلمان راه یابد.<sup>۲</sup> حزب وکس که حزبی مبتنی بر ایدئولوژی راست افراطی، نژادپرست و شدیداً مهاجرستیز است، نخستین حزب آشکارا شبه‌فاشیستی

1- Mariano Rajoy

2- <https://www.theguardian.com/world/2019/apr/23/spains-general-election-2019-all-you-need-to-know>

و راست افراطی است که از زمان پایان حاکمیت نظامیان توانسته است به پارلمان اسپانیا راه یابد.

اما ماجرای انتخابات اخیر اسپانیا از آنجا شروع شد که احزاب کاتالونیا به بودجه پیشنهادی دولت برای سال جاری رای منفی دادند و با آن به مخالفت برخاستند. پس از رای منفی احزاب کاتالونیا به بودجه دولت، پدرو سانچز نخست وزیر این کشور پیشنهاد برگزاری انتخابات را داد. به عبارت دیگر، پس از گذشت حدود یازده ماه از روی کار آمدن دولت سانچز که جایگزین دولت شکست خورده قبلی یعنی دولت ماریانو راجوی از حزب محافظه کار و راست گرای «مردم» شده بود، اختلاف بر سر تصویب بودجه سال آینده با احزاب کاتالان اسپانیا منجر شد که پدرو سانچز اعلام کند که دولتش نمی تواند بدون بودجه، کشور را اداره کند و در نتیجه باید انتخابات برگزار شود. جالب است بدانیم که این چهارمین انتخابات عمومی در ۸ سال گذشته است که در اسپانیا برگزار می شود.<sup>۱</sup> این انتخابات از همان ابتدا با مناظرات روزانه و حساسیتی فراگیر در خصوص برنامه های اجتماعی و اقتصادی احزاب مختلف پیگیری شد و در نهایت با پیروزی مرزی و حدود ۳۰ درصدی حزب سوسیالیست پایان یافت. شکست حزب مردم نیز به بدترین شکست چند دهه اخیر این حزب منجر شد و احزاب نوظهور دیگر آرای آن را بین خود تقسیم کردند.<sup>۲</sup>

### سیاست پیروز انتخابات: احیای عدالت اجتماعی

در این انتخابات حزب سوسیالیست اسپانیا با نزدیک ۳۰ درصد آرا پیروز شد تا دولت ائتلافی تشکیل دهد. حزب پودموس که در انتخابات قبل ۲۱ درصد آرا را به خود اختصاص داده بود با نزولی ۷ درصدی حدود ۱۴ درصد رای مردم را به دست آورد. همان طور که اشاره شد، برای نخستین بار پس از پایان دوران حکومت نظامی در دهه هفتاد میلادی، حزب راست افراطی و کس نیز توانست به پارلمان راه یابد.

1-<https://fa.euronews.com/2019/04/15/spain-pedro-sanchez-minority-socialist-snap-election-april-budget-vote-catalonia>

2- <https://www.theguardian.com/world/ng-interactive/2019/apr/28/spanish-general-election-2019-full-results>

هرچند تعداد کرسی های این حزب ناچیز است اما نفس حضور آن در پارلمان، نشان دهنده تغییر فضای اجتماعی و سیاسی در اسپانیا است.

پس از پایان انتخابات، پدرو سانچز پیروز انتخابات از حزب سوسیالیست اسپانیا تنها شرط خود را برای ائتلاف با سایر احزاب «قانون اساسی و تاکید بر عدالت اجتماعی» دانست.<sup>۱</sup> او برنامه هایی برای برقراری عدالت اجتماعی از طریق سیاست های اجتماعی در اسپانیا دارد که می تواند روند نامطلوب چند دهه اخیر این کشور در خصوص بیکاری جوانان، حمایت اجتماعی و نیز تامین اجتماعی برای کارگران و مردم عادی را تغییر دهد و بهبود بخشد.

اما پیروزی حزب سوسیالیست اسپانیا در این انتخابات را بسیاری احیای سنت سوسیال دمکراسی در اسپانیا به عنوان بخشی از احیای سنت سوسیال دمکراسی در کل اروپا تلقی کردند. اما این شیوه از تحلیل، به نظر گمراه کننده می رسد.

در حقیقت حزب سوسیالیست عملاً همان آرایی را به دست آورد که در انتخابات سال ۲۰۱۱ نیز به دست آورده بود (چیزی حدود هفت و نیم میلیون) یعنی همان زمانی که این حزب شکست بزرگی را متحمل شد. با این حال چندان معنادار نیست که به دست آوردن همان آرا در سال ۲۰۱۹ به منزله پیروزی بزرگ تلقی شود. در حقیقت این کمترین میزان آرای این حزب از سال ۱۹۷۹ نیز هست. پس چرا دستیابی به برتری تناسبی، در انتخابات اخیر به عنوان پیروزی تلقی می شود؟

باید در نظر داشت که حزب سوسیالیست اسپانیا، مهمترین و قدیمی ترین حزب در درون کل نیروهای چپ در اسپانیا است و در بیشتر دوران دموکراتیک مابعد دیکتاتوری فرانکو که از سال ۱۹۷۸ شروع شد، بر این کشور حاکم بوده است. حزب سوسیالیست اسپانیا همچنین نیروی اصلی ایجاد و برپایی دولت رفاه و نیز موسس سیستم خدمات سلامت ملی اسپانیا<sup>۲</sup> نیز هست. مخارج و هزینه های اجتماعی برای بهبود رفاه عمومی مردم و کارگران به طور قابل ملاحظه ای در دوران حاکمیت این حزب یعنی در حد فاصل سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۶ گسترش یافت و نیز درصد درآمد ملی نیروهای کار در قیاس با مالکیت سرمایه نیز در این دوران افزایش یافت.

اما این پیشرفت ها با پایان دوره طلایی سوسیال دمکراسی کند و کندتر شد؛ دلیل

1- <https://www.apnews.com/6e731ac5b3844df2869aeeb83c507804>

2- Spanish National Health Service



اصلی این موضوع اتخاذ سیاست‌هایی بود که توسط مردم و اتحادیه اروپا مورد تشویق و تحمیل قرار گرفت. این سیاست‌ها بر کیفیت و ثبات بازار کار در این کشور تأثیرات مخربی گذاشت و اقتصاد اسپانیا را در رکودی عمیق در مقیاس اروپایی فرو برد. برای نمونه، اجرای این سیاست‌ها به سرعت به دو اعتصاب عمومی بزرگ در این کشور منجر شد، اتفاقی که در تاریخ سوسیال دموکراسی اروپا بی‌سابقه بود. همه این اتفاقات منجر به کاهش حمایت طبقه کارگر و مردم عادی از حزب سوسیالیستی شد که نام کارگران را نیز یدک می‌کشد.

کاهش حمایت کارگران و مجموعه نیروهای کار از این حزب، خود را در عدم شرکت و تحریم گسترده انتخابات سال ۱۹۹۳ توسط طبقه کارگر نشان داد؛ اتفاقی که منتهی به شکست حزب سوسیالیست کارگران در انتخابات پارلمانی شد. اما برای تداوم حضور در حاکمیت، حزب سوسیالیست به جای اتحاد با احزاب چپ‌گرا، اتحادی را با شاخه راست‌گرای حزب ناسیونالیسم کاتالانی (که امروز مدافع استقلال این منطقه از اسپانیاست) شکل داد.

این اقدام به معنی تقویت سیاست‌هایی بود که براساس آن لازم بود دولت مطابق با شاخص‌های پیمان ماستریخت<sup>۱</sup>، کسری بودجه عمومی را کاهش دهد، خدمات اجتماعی برای عموم مردم را کاهش دهد تا به حوزه یورو بپیوندد. تداوم این سیاست‌های ریاضتی باعث شد که سوسیالیست‌ها در انتخابات سال ۱۹۹۶ شکست سختی بخورند و همزمان حزب محافظه‌کار و شبه فاشیستی مردم (PP) که متشکل از منتفعان و بقایای طبقه مسلط دوران دیکتاتوری نظامی فرانکو است، به پیروزی دست یابد. لازم است بدانیم که حزب مردم «به طور مستقیم» توسط وزرا و صاحب منصبان دوران ژنرال فرانسیسکو فرانکو، دیکتاتور فالانژ اسپانیا تأمین و حمایت مالی می‌شود.

پیروزی حزب مردم از یک سو به معنای به حاشیه رفتن سیاست اجتماعی در اسپانیا بود و از سوی دیگر به معنای غلبه و تسلط سیاست ریاضتی اتحادیه اروپا. در پی اجرای

---

۱- پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲ به امضای کشورهای عضو اتحادیه اروپا رسید و به نوعی سنگ بنای تاسیس این اتحادیه را گذاشت. این پیمان نوع خاصی از سیاست‌های مالی، پولی و اقتصادی را به کشورهای عضو اتحادیه تحمیل می‌کند که از آن با عنوان سیاست‌های ریاضتی نئولیبرالی یاد می‌شود. در مقابل اجرای این سیاست‌های اقتصادی، کشورهای عضو اتحادیه از حقوق سیاسی و امنیتی کل اتحادیه برخوردار خواهند بود برای مثال سیاست خارجی و امنیتی مشترکی از آنها حمایت خواهد کرد.

این سیاست‌های ریاضتی، فقر و نابرابری اجتماعی و اقتصادی در این کشور تشدید شد، از مزایای رفاهی و بیمه‌های اجتماعی و درمانی برای کارگران کاسته شد و در نهایت، بیکاری عمومی و رکود اقتصادی گسترش یافت.

## سیاست راه سوم

دوره رشد پایدار (۱۹۹۶-۲۰۰۴) که در واقع حاصلی جز تعمیق نابرابری و بیکاری در این کشور در پی نداشت، بر اساس نیروی کار ارزان و کاهش حمایت‌های اجتماعی آغاز شد و هشت سال طول کشید. اما این دوره با پیروزی خوزه لوئیز زاپاترو<sup>۱</sup> از حزب سوسیالیست در انتخابات سال ۲۰۰۴ به پایان رسید. زاپاترو نسخه اسپانیایی سیاست «راه سوم» را که در سراسر اتحادیه اروپا نمایندگانی داشت، بنا گذاشت.<sup>۲</sup> مهمترین وعده کمپین انتخاباتی زاپاترو کاهش مالیات‌ها بود که طبق آمار رسمی، مسئول ۷۲ درصد کاهش درآمد عمومی (از ۲۷ میلیون یورو) بین سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بود؛ ۲۸ درصد مابقی نتیجه کاهش رشد با شروع رکود بزرگ بود.

کسری بودجه ناشی از این سیاست‌ها، به قطع و کاهش مخارج اجتماعی عمومی منتهی شد. زاپاترو همچنین اصلاحاتی در بازار نیروی کار به اجرا درآورد که به تضعیف هرچه بیشتر کارگران و تقویت هرچه بیشتر کارفرمایان منتهی شد. سرانجام قانون اساسی اسپانیا نیز در نتیجه توافق میان حزب سوسیالیست و حزب مردم، تغییر کرد که طبق بند ۱۳۵ قانون جدید، بازپرداخت بدهی عمومی نسبت مخارج اجتماعی اولویت می‌یافت یعنی دولت اجازه یافت که برای بازپرداخت بدهی‌های خود، از میزان ارائه خدمات اجتماعی بکاهد.

این اصلاحات و مداخلات، بسیار مورد نفرت مردم و عموم گروه‌های اجتماعی بود و در نهایت منجر به ظهور و پیدایش جنبش خشمگینان<sup>۳</sup> و جنبش ۱۵ می (۱۵M) شد. جنبش خشمگینان و جنبش ۱۵ می در اسپانیا در پانزدهم ماه می سال ۲۰۱۱ و چندروز مانده به انتخابات محلی و منطقه‌ای به راه افتاد و تا کنون نیز ادامه دارد.

1- José Luis Zapatero

2- <https://www.socialeurope.eu/countering-the-crisis-of-the-left>

3- indignados

بدین ترتیب هردو جنبش علیه سیاست‌های ریاضتی به راه افتادند. این اعتراضات عمومی و مردمی، نه تنها علیه اجرای سیاست‌های نئولیبرالی و نیز علیه «طبقه نخبگان سیاسی» بود که منافع و خواست‌های مردم را نمایندگی نمی‌کردند، بلکه همچنین علیه آن دسته نیروهای مالی و اقتصادی بود که فشارها و تأثیرات فزاینده‌ای بر نهادهای نمایندگی دموکراتیک از جمله رهبری و دم و دستگاه حزب سوسیالیست داشتند و دارند.

به همین دلیل بود که "جنبش اندیگنادوس" یا همان قیام خشمگینان، فراخوان برای برقراری دموکراسی را مطرح کرد. شعار آنها که به سرعت در کل اسپانیا منتشر و تکثیر شد، این بود: «آنها (طبقه سیاسی) ما مردم را نمایندگی نمی‌کنند».

### پودموس

این اعتراضات موجب شد که حزب سوسیالیست (PSOE) در انتخابات سال ۲۰۱۱ شکست بخورد و پایگاه اجتماعی خود را بیشتر از دست بدهد. حزب محافظه‌کار مردم (PP) دوباره پیروز شد و برنامه اصلاحات بازار کار دیگری را بر کارگران و نیروهای کار تحمیل کرد؛ نیروهای کار ضعیف‌تر شدند و مخارج اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی از کارگران به میزان بیشتری کاهش یافت. این سیاست‌های ریاضتی موجب ظهور نوعی از حال و هوای ضدیت با نظام موجود شد و در نهایت منجر به پیدایش و تشکیل یک حزب چپ‌گرای جدید به نام پودموس<sup>۱</sup> (ما می‌توانیم) شد. در طول سه سال این حزب به سومین حزب بزرگ و مهم اسپانیا تبدیل شد و حتی از برخی جهات از حزب سوسیالیست نیز پیشی گرفت.

پیدایش حزب پودموس تأثیری عظیم و پیامدهایی چشمگیر در پی داشت؛ از استعفای پادشاه خوان کارلوس اول<sup>۲</sup> (که توسط ژنرال فرانکو به عنوان جانشین در مقام رئیس دولت منصوب شده بود) گرفته تا تغییر رهبری حزب سوسیالیست. پایگاه مردمی حزب سوسیالیست، رهبری قدیمی را مجبور به کناره‌گیری کرد و پدرو سانچز را به رهبری حزب سوسیالیست رساند. پدرو سانچز<sup>۳</sup> کسی بود که علیه مردم و دستگاه

1- Podemos

2- King Juan Carlos I

3- Pedro Sanchez

مسلط و موجود حزب عمل می‌کرد و برنامه‌ای چپ‌گرایانه را تدوین کرده بود که در بیشتر بخش‌ها ملهم از برنامه‌های حزب پودموس بود.

در گام بعد، سانچز از قدرت بیش از حد لابی‌های اقتصادی و مالی در درون خود حزب سوسیالیست انتقاد می‌کرد. به دلیل فشارهای افراد رده پایین و عادی حزب که مخالف رهبران بودند، سانچز حتی پیمانی را با حزب پودموس منعقد کرد؛ پیمانی که پایه‌گذار اتحاد با ائتلاف موسوم به «چپ متحد»<sup>۱</sup> نیز بود. ائتلاف چپ متحد، سازمانی است که از سال ۱۹۸۶ هفت حزب عمده چپ‌گرا را در اسپانیا گرد هم آورده و تبدیل به یک سازمان کرده است. این پیمان و اتحاد، وضعیت اجتماعی حزب سوسیالیست را تا حدی تغییر داد.<sup>۲</sup>

از طریق این اقدامات، حزب سوسیالیست برنامه‌ای اقتصادی و اجتماعی را طراحی و ارائه کرد که مشتمل بر افزایش ۲۰ درصدی حداقل دستمزد کارگران بود، مستمری‌های تامین اجتماعی و سایر مستمری‌های کارگران را نیز طبق نرخ تورم افزایش می‌داد، قیمت خانه‌های اجاره‌ای را تحت تنظیم و کنترل دولت درمی‌آورد و علاوه بر اینها، بسیاری اقدامات دیگر را نیز که مورد حمایت مردم و کارگران بود، در دستور کار قرار می‌داد. بسیاری از این برنامه‌ها نیز ملهم و وام گرفته از پودموس بود. همین اقدامات، دلیل عمده رشد و افزایش حمایت انتخاباتی از حزب سوسیالیست بود، به طوری که میزان حمایت مردمی این حزب از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۵ به حدود ۲۹ درصد در سال ۲۰۱۹ یعنی در انتخابات اخیر افزایش یافت.<sup>۳</sup>

چنین تحولی یعنی تاسیس حزب پودموس به لحاظ کرسی‌های پارلمانی حائز اهمیت بود زیرا گرایش و تمایل انتخاباتی عموم مردم، غالباً به سوی احزاب بزرگ است. موفقیت حزب تازه تاسیس پودموس موجب شد رای دست راستی‌ها پراکنده و متفرق شود. تاسیس حزب جدید راست افراطی و کس نیز که آشکارا تمایلات مهاجرستیزانه و حتی نژادپرستانه دارد، تا حدی تفرق را در بین راست‌گراها افزایش داد.

1- Izquierda Unida

2- <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2019/04/pedro-sanchez-won-spain-election-but-right-remains/588298/>

3- <https://www.socialeurope.eu/socialist-party-in-spain>



## ائتلاف پیشرو

به رغم اینکه افزایش میزان کرسی‌های پارلمانی حزب سوسیالیست در انتخابات اخیر تا بدان حد نیست که اکثریت را به تنهایی به دست آورد، اما در صورت ائتلاف با احزاب دیگر چپ‌گرا این حزب می‌تواند حاکمیت و قدرت را در اسپانیا به دست گیرد؛ اتفاقی که به نظر در دستور کار نیز قرار دارد. این موضوع از نظر اجرای سیاست‌های تامین اجتماعی و حمایت اجتماعی برای حفظ قدرت اجتماعی و سیاسی کارگران و نیز بهبود زندگی شغلی و غیرشغلی آنها حایز اهمیت است.

درس اصلی انتخابات اسپانیا از نگاه سیاست اجتماعی آن است که اجرای سیاست‌های ریاضتی و نئولیبرالی تنها منجر به بروز نارضایتی توده‌ای، تعمیق شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی و فجایع انتخاباتی خواهد شد. تنها راه در این شرایط بازگشت به برنامه‌های اجتماعی و حمایتی از کارگران و مردم معمولی برای جلوگیری از افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی است.



## پارادوکس بدهی یا چگونه از ریاضت دوباره جلوگیری کنیم؟<sup>۱</sup>

نویسندگان: خورخه اوکسو<sup>۲</sup> (استاد اقتصاد دانشگاه کاستیامانکای اسپانیا)، ناچو آوارز<sup>۳</sup> (استاد اقتصاد دانشگاه اتونوموس مادرید)  
مترجم: سینا چگینی

به نظر می‌رسد طرح بودجه دولت اسپانیا گسستی از طرح بودجه دولت محافظه کار قبلی است. اما هنوز پایبندی بیش از حدی به ارتدوکسی برنامه ثبات مالی فوری وجود دارد.

تحلیل اقتصاد کلان به ما آموخته است تصمیمی مشخص که برای یک فرد، معقول و منطقی به نظر می‌رسد، ممکن است زمانی که همه افراد به شیوه‌ای همسان بدان عمل کنند یا زمانی که عامل و نماینده تصمیم‌گیری دولت باشد، نتایج برعکس را در پی داشته باشد. یکی از این موارد، موضوع «پارادوکس بدهی» است: در سیاستگذاری اقتصادی، هر تلاشی برای کاهش میزان بدهی نسبت به تولید ناخالص داخلی (debt/GDP) از طریق تثبیت یا کاهش مخارج اجتماعی، می‌تواند به افزایش میزان بدهی منجر شود.

این موضوع چیزی بیش از یک تز عجیب و غریب تئوریک است؛ چنین اتفاقی اخیراً در اسپانیا رخ داده است و اگر ما دنباله‌رو توصیه‌های نهادهایی از قبیل کمیسیون اروپا، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اسپانیا<sup>۴</sup> باشیم، ممکن است باز هم به راحتی رخ دهد.

1- <https://www.socialeurope.eu/author/jorge-uxo-and-nacho-alvarez>

2- Jorge Uxo

3- Nacho Álvarez

4- Bank of Spain

تغییر در نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، نتیجه دو اقدام تاثیر گذار متفاوت است. اولی مستقیماً به سیاست مالی دولت مربوط است: با کسری بودجه پایه، دولت اوراق قرضه جدید منتشر می کند (دست کم اگر بانک مرکزی نتواند مستقیماً به دولت قرض بدهد) در حالی که بدهی با مازاد اولیه کاهش می یابد.

دومین اقدام، موضوع "تاثیر گلوله برفی" است. از یک سو دولت باید برای بدهی اخیر خود بهره یا سودپردازد که به معنی مخارج بیشتر و بدهی تازه است؛ از سوی دیگر اگر اقتصاد در حال رشد است، این پرداخت ها نمایانگر کاهش درصد تولید ناخالص داخلی است. بنابراین، زمانی که نرخ رشد بالاتر از نرخ بهره است، تاثیر گلوله برفی به سوی کاهش میزان بدهی عمومی متمایل است، و برعکس.

اگر هدف دولت کاهش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی است، محدود ساختن مخارج عمومی برای دستیابی به مازادهای اولیه «به نظر» توصیه ای معقول است. اما این توصیه فقط زمانی درست است که تصمیمات سیاست مالی، اثری بر نرخ رشد نداشته باشد یا این تاثیر (ضریب فزاینده مالی) اندک باشد. اگر این موضوع صادق نیست یعنی سیاست مالی بر فعالیت اقتصادی تاثیر می گذارد، خسارات ناشی از سیاست مالی سخت گیرانه تر (کاهش رشد اقتصادی و تاثیر منفی گلوله برفی) می تواند آنچه را دولت از مازاد اولیه به دست آورده است (کاهش بدهی جدید با انتشار اوراق قرضه)، خنثی و بی اثر کند.

در واقع، این دومی محتمل ترین نتیجه است. در این شرایط که رخ دادن «پارادوکس بدهی»، مشخص و تعریف شده است: در مورد اسپانیا، این پدیده با ضریب فزاینده مالی بالای ۷ دهم درصد بروز کرد و شواهد تجربی نشان می دهد میزان آن بسیار بالاتر هم هست.

## بن بست ریاضت

پیامدهای منفی سیاست‌های ریاضتی اجرا شده در اروپا در مواجهه با افزایش کسورات و بدهی عمومی ناشی از رکود بزرگ<sup>۱</sup>، باید ما را درباره خطر بزرگ سرسپردگی به این خطاها هشیار و آگاه کند. این پیامدهای منفی نه تنها ما را در «یک دهه تباهی» غرق کرد بلکه همچنین نتایج بسیار ناچیزی از نظر کاهش میزان بدهی عمومی از خود نشان داد. براساس نتایج یک تحقیق انجام شده توسط دو پژوهشگر که یکی از آنها وزیر خزانه‌داری سابق آمریکا است، هیچ شک و شبهه‌ای در این خصوص باقی نمی‌گذارد: تلاش برای کاهش بدهی از طریق ثبات مالی به احتمال بسیار زیاد به خاطر تاثیر بلندمدت آن روی خروجی‌ها، منجر به افزایش و بیشتر شدن نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی خواهد شد.

مع الوصف، کمیسیون اروپا هنوز با استناد به دو استدلال زیر اسپانیا را به ثبات مالی و محدودسازی مخارج عمومی سال-های آینده سفارش و توصیه می‌کند. نخست آنکه اگرچه پیش‌بینی آن است که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی کاهش خواهد یافت، این نهاد فکر می‌کند که این اقدام گامی بسیار کند و آرام خواهد بود. بروکسل [مقر اتحادیه اروپا] از آسیب‌پذیری اقتصاد اسپانیا نسبت به افزایش نرخ‌های بهره (از طریق برداشت سریع محرک پولی از سوی اتحادیه اروپا) می‌ترسد و مشوق کاهش بدهی سریع‌تر است. مسئله این است که احتمالاً خروجی این کار دقیقاً خلاف این خواهد بود: رشد کمتر و متعاقب آن، نسبت بالاتر بدهی به تولید ناخالص داخلی.

این رویکرد به طور خاصی فاقد کارکرد است چراکه اکثر نهادها، کاهش رشد را در اسپانیا با نرخ بیکاری تثبیت شده در ۱۲ الی ۱۳ درصد و به وضوح فراتر از سطح پیشا بحرانی آن، پیش‌بینی می‌کنند. چنین شکلی از «وسواس ریاضتی» جز تشدید رکود، کاری انجام نخواهد داد.

دوم آنکه کمیسیون می‌گوید تقریباً همه کسری اخیر در اسپانیا ساختاری است، نه ادواری. اما هر اقتصاددانی با اندکی حس انتقادی می‌داند که تخمین‌های

۱- منظور وقوع بحران فراگیر سرمایه‌داری جهانی در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ است که تاثیرات منفی و عواقب آن هنوز پابرجاست. (مترجم فارسی)



«کسری ساختاری» به لحاظ روش شناختی مناقشه‌برانگیز است و استفاده از آنها صرفاً به منزله یگانه معرف تصمیمات سیاستگذاری مالی بیش از حد خطرناک است. در واقع، این اظهار نظر که کسری اسپانیا عمدتاً «ساختاری» است به آن اشاره دارد که اقتصاد این کشور به پتانسیل تولید ناخالص داخلی خود دست یافته است و در نتیجه، در حال حاضر مهمترین محدودیت برای رشد (با ۱۵ درصد بیکاری) در سمت عرضه است. چنین اظهارنظری در معنای اقتصادی قابل توجیه نیست و فقدان فایده عملی این برآوردهای «کسری ساختاری» را مشخص می‌کند.

## راه دیگر

ما باید ایده ایجاد مزادهای اولیه زیاد و مداوم را رها کنیم و سیاستگذاری مالی را به سوی اهداف دیگری تغییر جهت دهیم: تقویت رشد اقتصادی در وضعیت بیکاری بسیار بالا، معکوس ساختن کاهش خدمات عمومی پایه و گسترش برنامه سرمایه‌گذاری عمومی برای ایجاد تغییر واقعی در ساختاری تولیدی اسپانیا. اگر سیاستگذاری مالی در جهت ایجاد سهمی مثبت در رشد اقتصادی، سازگار و آماده شود، این اهداف کاملاً با ایجاد کاهش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی سازگار است.

دولت اسپانیا پیش‌نویس برنامه بودجه را برای سال ۲۰۱۹ منتشر کرده است. این پیش‌نویس به طور گسترده‌ای اصلی‌ترین خطوط توافق بین دولت و حزب پودموس را منعکس می‌کند و نشانگر فرصتی است که مسیر را به سوی یک برنامه مالی جدید هموار می‌کند. اگر این پیش‌نویس به طور کامل اجرا شود، می‌تواند برخی از سیاست‌های ریاضتی را که در بیش از یک دهه گذشته اجرا شده‌اند، واژگون کند و می‌توان بابت درآمد اضافی ناشی از اصلاحات مالیاتی مطرح شده در آن، خوش بین بود.

با این حال، حیطة عمل این برنامه ممکن است تا حدودی از طریق یک پوشش بازدارنده محدود شود تا بدین وسیله، دولت آزاد نشود؛ برنامه دولت به غلط بر حفظ سیاست کاهش سریع کسری در سال‌های آتی تأکید دارد و این، از وسواس برای دستیابی به توازن بودجه به سبک آلمانی نشأت می‌گیرد.

برای مدت زمانی طولانی، مباحثات درباره سیاستگذاری مالی در اروپا (از جمله اسپانیا) عمدتاً به این ملاحظات تقریباً بوروکراتیک محدود شده است: اطاعت از قواعد حاکمان و اندکی چیزهای دیگر. اکنون زمان آن است که مباحثه‌ای بسیار گسترده‌تر گشوده شود و روی مباحثه دموکراتیک در خصوص بهترین گزینه‌های سیاستگذاری اقتصادی تمرکز کند.